

۱۰ فیلم برتر پاییز و زمستان ۲۰۱۰

فیلم خوب نمی‌خواهد

بر اساس تمام استانداردهای موجود، فروش فیلم‌ها در تابستان امسال کاملاً ناامیدکننده بود. بر اساس گزارش مجله وال‌استریت، در حالی که امسال فروش فیلم‌ها به سقف ۴/۳۵ بیلیون دلار رسید، فروش بلیت در تابستان امسال نسبت به کل تابستان‌های دهه اخیر کمترین میزان را داشته‌است. بالا رفتن قیمت بلیت – مخصوصاً قیمت بلیت فیلم‌های سم‌بدی– باعث بالا رفتن درآمد سینما شد، ولی در حقیقت انسان‌های کمتری به سینما رفته‌اند. دلیل این امر این است که فیلم‌ها به اندازه کافی خوب نبودند. البته فیلم‌هایی مثل داستان اسباب‌بازی ۳ و س‌آغاز بسیار پربیننده بودند ولی در این تابستان فیلم‌های خوبی به تماشاگران عرضه نشد. البته ما امیدواریم این روال در نیمه دوم امسال تغییر کند و فیلم‌هایی که روی پرده سینما می‌رود، مطابق میل تماشاگران باشد. در پاییز امسال فیلم‌هایی با ژانرهای مختلف از جمله اکشن، خانوادگی، درام و کمدی اکران خواهد شد. لیست فیلم‌هایی که به نظر ما بهترین هستند به ترتیب تاریخ اکران به صورت زیر است.

بول هیچ وقت نمی‌خواهد



شروع به آموزش نامزد دخترش به عنوان شاگرد جدیدش می‌کند.

بدار بیا م تو



همسایه جدیدشان که دختری بسیار خطرناک است، دوست می‌شود.

شبکه اجتماعی



این اساس است که فیس‌بوک از خوابگاه چند دوست آغاز شد و بعدها باعث دشمنی بین آنها شد.

تاریخ مقرر



پیشنهادهای جدید نمی‌شود. این دو سعی دارند سراسر کشور را قبل از تاریخ به دنیا آمدن بچه بگردند.

هری پاتر و یادگاران مرگ



که به آنها کمک کند تا لرد ولدمرت را برای همیشه متوقف کنند. قسمت دوم این فیلم در جولای اکران خواهد شد.

درهم



آهنگساز فیلم پری دریایی این داستان را دوباره تعریف می‌کند.

قوی مشکي



نقشش تا به امروز را در این فیلم به عنوان یک بالرین در یک رقابت پیچیده بازی می‌کند.

توریست



یک زن اسرارآمیز را دارد که او را به دنیای پررمز و راز و خطرناک می‌برد.

ترون: میراث



فیلم را بسازد. جف بریجز در این فیلم دو نقش را بازی می‌کند؛ یکی کاراکتر خودش در فیلم اصلی و دیگری به عنوان یک آواتار که ۲۰ سال از خودش جوان تر است.

شن‌های واقعی



اصلی فیلم توسط جان وین بازی شده بود، او مرد یک‌چشمی است که همراه یک دختر نوجوان شده تا قاتل پدر این دختر را پیدا کند.

۱۰ سینمای جهان

مت مک‌دانیل – ترجمه: آیدا نقیانی

ترجمه: نسیم نیکفرد

استخوان‌های زمستانی

دبیرا گرانیک نویسنده‌ی و کارگردانی فیلم «استخوان‌های زمستانی» را بر عهده داشته‌است. او در این فیلم با استفاده از یک فرضیه ساده، دید تازه‌ای را درباره دنیا به بیننده می‌دهد. فیلم داستان زندگی دختر ۱۷ساله‌ای به نام «ری» است که از برادر و خواهرش مراقبت می‌کند. مادر خانواده به‌ه علت فراری بودن همسرش دچار ناراحتی روحی شده و بدتر از همه اینکه تنها دارایی این خانواده، خانه‌شان است و به محض دستگیری پدر خانه به تصرف درمی‌آید. مادر به‌ خاطر حفاظت از خانواده‌اش و همان خانه روستایی کوچک‌شان در اوزاک دست به خطرناک‌ترین کارها می‌زند. امسال هیچ زنی به اندازه ری قهرمان داستان نبوده، او در مرحله‌ای از زندگی‌اش مجبور به مبارزه با سربازان می‌شود. جنیفر لارنس با اجرای بی‌نظیرش در این فیلم غوغا کرده و باعث شناخته شدن بیش از پیش شده‌است، او در قالب یک پیرزن ایفای نقش می‌کند. به احتمال زیاد این فیلم و عواملش می‌توانند در میان‌های‌نام‌های کاندیدای اسکار باشند.

تهییج احساسات

و اما فیلم «بده من»؛ واقعاً کمال بی‌انصافی است که بخوایم درباره چنین فیلم مهیج و احساسی‌ای که به نوبه خودش بی‌نظیر است، قضاوت نادرستی داشته باشیم. خود بینندگان باید با توجه به شخصیت‌های فیلم، متوجه شوند این فیلم نسبت به «جنسیت و شهر» و «کسوف» بیشتر ارزش دیدن دارد. با توجه به اینکه نویسنده و کارگردان این فیلم، نیکل هولوفسز است و فیلم هم یک جورهایی کم‌دی به نظر می‌رسد، نکات جالب توجه بسیاری دارد. موضوع این فیلم درباره زندگی زن و شوهری به نام‌های گترین کیتز و الیور پلات است که در یک مغازه عتیقه‌فروشی مشغول به کار هستند و در کارشان هم خیلی موفق‌اند طوری که به خاطر درآمد خیلی بالا در کنار ساختمان‌شان یک آپارتمان دیگر هم می‌خرند. زمانی که آنها می‌خواهند خانه را خراب کنند و بزرگ‌ترش را بسازند، مالک اصلی ساختمان که پیرزنی بوده، می‌میرد. حالا کار یک مقدار مشکل می‌شود، چون آنها مجبورند با دخترهای همان پیرزن به نام‌های آماندا نایت که دختر دوست‌داشتنی‌ای است و ریکا هال که بسیار زودرنج و حساس است، زندگی کنند. در این بین هم دختر خانواده که به سن بلوغ رسیده، درگیر تغییرات رفتاری است. این فیلم خیلی خنده‌دار و در عین حال جالب است. هولوفسزدر این فیلم زندگی طبقات اجتماعی مرفه و متوسط را نشان می‌دهد و انسان‌هایی را که ثبات اخلاقی ندارند، سرزنش می‌کند. بعد از دیدن این فیلم آدم احساس راحتی و آرامش می‌کند. با فیلمنامه درست و حساسی و اجرای خوب هنرپیشه‌ها بر تقویت و استحکام این فیلم افزوده شده‌است. این ساخته هولوفسز یک کم‌دی عاشقانه است که با دیدنش خیلی چیزها دستگیر آدم می‌شود.

خروج از درون کادوفروشی
فیلم واقعیت است یا ساختگی؟ البته چندان هم این مطلب مهم نیست. برای نمونه فیلم «جکاس» را می‌توان نام برد. صرف نظر از اتفاقاتی که در این فیلم می‌افتد، «خروج از درون کادوفروشی» مستندی درباره زندگی یک گروه از هنرمندان و پیشینه آنهاست و همچنین چیزهای مرموزی هم درباره خود «بنکسی» نشان می‌دهد. قسمت آخر هم در قالب طنزی پوچ و بی‌اعتدال زندگی را به تصویر می‌کشد و در کل بیان می‌کند که احساس و عاطفه در همه انسان‌ها وجود دارد. شما به عنوان یک بیننده هیچ وقت نمی‌توانید باورهای «بنکسی» را قبول داشته باشید چون اصلاً با این طرز تفکر بزرگ نشده‌اید. ولی در کل باید چشمان‌تان را باز کنید و نسبت به اطراف‌تان هوشیار باشید. بعد از دیدن این فیلم «گرافیتی» و «شهر» برای شما مهم‌تر خواهد شد.

قاتل درون من

ابهام موجود در این فیلم مورد استقبال خیلی‌ها قرار گرفت. تکنیک مایکل وینترباتم در

فیلم‌های برادر و خواهر

دو آرژانتینی سالخورده آتش‌بازی دراماتیکی را در فیلم برادر و خواهر به راه انداخته‌اند. فیلمی که نگاهی پر از احساسات و مایخولیا دارد به بالا و پایین‌های یک رابطه فراز و نشیب‌دار بین خواهر و برادری شصت و چند ساله. همانند هلمر، فیلم قبلی دانیل بورمن، ساخته جدید وی نیز تمرکزی خاص بر احساسات دارد، اما با وجود بازی نافذ هنرپیشگان، به نظر من اگر حتی ۱۵ دقیقه از فیلم هم کوتاه می‌شد اتفاق خاصی رخ نمی‌داد. فیلمی کم‌صدا و بی‌عجله که بعید است بتواند نظر تماشاگران جوان را به خود جلب کند، اما بورمن قابل اعتماد اثری را آفریده است که تعدادی اکران خارج از کشور و شرکت در Festivalهای مختلف را برای فیلم حتمی می‌کند. پس از زندگی کردن به صورت جداگانه در بیشتر عمر طولانی خود، سوزانا گراسیلا بورخس) و مارکوس (آنتونیو گاسالا)، که اکنون هر دو در دهه هفتم زندگی خود هستند به دلیل آنکه مادرشان ننکا (لانا لوپز) در بستر بیماری است، بار دیگر به یکدیگر می‌پیوندند. مارکوس، تلاش‌ساز خوش‌تیپ و باطمینان، ترس و دلهره فراوانی از خواهر سخت و بداخلاق خود دارد

سال پنجم ■ شماره ۱۰۷۱ ■ یکشنبه ۴ مهر ۱۳۸۹

● آرمین سخاوت‌پور ●

فیلم‌های تقریباً مهم تجاری نیمه اول سال ۲۰۱۰

استخوان‌های دوست‌داشتنی

● آرمین سخاوت‌پور ●

نیمه سال میلادی را رد کرده‌ایم، بنابراین وقتش رسیده تا به بررسی فیلم‌هایی که طی شش هفته ماه اخیر ساخته‌شده بپردازیم. حالا دیگر یکسری از شرکت‌های فیلمسازی شروع به ساخت فیلم‌هایی با کیفیت بهتر می‌کنند.

خلق ابهام در فیلم به تقلید از رمان جیم تامسون انجام شده‌است. خوب است در اینجا از کیسی افلک به خاطر بازی در نقش یک کلانتر روانی که دست به اعمال غیراخلاقی می‌زند یاد کرد، چرا که او فوق‌العاده در فیلم ظاهر شده‌است. این فیلم با اجرای جسیکا آلبا و کیت هادسون تکمیل شده‌است. آنها دل‌شان می‌خواست بعد از پایان فیلم، افلک را به خاطر شخصیت چندش‌آورش خفه کنند.

اینکه افلک بدون دلیل دست به چنین کارهای غیراخلاقی‌ای می‌زند، مساله ساده‌ای نیست که بشود راحت از کنارش عبور کرد. این فیلم با صدهای ترسناک، استرس به مخاطب وارد می‌کند و او را متشوش و پریشان می‌کند.

مادر

گفته شده این فیلم اصلاً از روی فیلم‌هایی چون خاطره «آدم‌کشی» و «میزبان» ساخته نشده ولی فیلم «مادر» نشان می‌دهد کارگردان فیلم «یونگ جونگ هو» کلا عادت دارد به فیلم‌های دیگر پاتک بزند و یک جاهایی از فیلمش را از روی آنها بسازد. این فیلم درباره پسر عقب‌افتاده‌ای است که در کودکی علاقه عجیبی به مادرش پیدا می‌کند و به علت عدم رسیدگی این بیماری حالا به یک اختلال شخصیتی تبدیل شده‌است. روند قتل‌های عجیبی که توسط این فرد انجام می‌شود، نشان‌دهنده افکار وی در پوچی و بی‌معنا بودن دنیاست. او با این اعمال و رفتارش خانواده را به دردرس می‌اندازد. این فیلم بسیار غم‌انگیز و آزاردهنده است و اگر جشنواره کن خیلی توجهی به فیلم نشان نداد، به خاطر بیش از حد متفاوت بودن آن است.

اوج گرفتن

این اولین باری است که فیلمساز دانمارکی «نیکلاس ویندینگ رفن» از هنرپیشه‌های معروف سینمایی در فیلم‌هایش استفاده کرده‌است. کارگردانی مثل کوبریک، لینیچ یا تارکوفسکی فیلم‌هایشان پر از شخصیت‌های عجیب و غریب است. آخرین ساخته «نیکلاس ویندینگ رفن» یک درام روحانی و در عین حال خشن درباره جنگجوی اسکندینیوایی است. این فیلم خالی از صحنه‌های کشتار و خونریزی نیست. این فیلم از جمله ساخته‌هایی است که ما را به یاد «ترنس مالیک» می‌اندازد.

نکته

خوب است در اینجا از کیسی افلک به خاطر بازی در نقش یک کلانتر روانی که دست به اعمال غیراخلاقی می‌زند یاد کرد، چرا که او فوق‌العاده در فیلم ظاهر شده‌است. این فیلم با اجرای جسیکا آلبا و کیت هادسون تکمیل شده‌است. آنها دل‌شان می‌خواست بعد از پایان فیلم، افلک را به خاطر شخصیت چندش‌آورش خفه کنند.



دندان سگ

این فیلم داستان زندگی سه جوان است که در غربت و دور از خانواده‌شان زندگی می‌کنند. این فیلم مقداری ما را نسبت به تربیت فرزندان هوشیارتر می‌کند و نشان می‌دهد بچه‌هایی که در بزرگسالی بی‌رحم می‌شوند و دیگران را مورد آزار و خشمونت قرار می‌دهند، کودکانی هستند که در خانواده‌های نابهنجار بزرگ شده‌اند. این فیلم نشان‌دهنده رفتار عجیب از شخصی است که شاید تنها آنهایی که از نظر اخلاقی منحرفند و خوی شیطانی دارند، کارهای این فرد و طرز کره

● آرمین سخاوت‌پور ●

● آرمین سخاوت‌پور ●

● آرمین سخاوت‌پور ●

مینی بر اینکه، با وجود نفرت شدیدی که گاهی تا سر حد جنون هم پیش می‌رود، این دو کاراکتر به طور ناگهاسفته به یکدیگر وابسته‌اند. فیلمنامه با دقت خاصی به طول فیلم سعی در پرهیز از احساس‌گرایی دارد تا آنکه در آخرین دقایق چرخشی نامنتظره می‌کند. بورخس که در مملکتش به عنوان یک شخصیت ممتاز و بزرگ شناخته می‌شود در این فیلم در نقشی ظاهر می‌شود که در رویاهایش برای مدت طولانی می‌شناسد، به خوبی منعکس می‌کند. فیلمنامه بیشتر مجذوب شخصیت‌ها شده است تا موضوع و طرح اصلی فیلم و می‌توان به جرأت گفت که گویاترین صحنه‌های فیلم معمولاً ساکت‌ترین آنهاست.

● آرمین سخاوت‌پور ●

● آرمین سخاوت‌پور ●

فیلم‌های تقریباً مهم تجاری نیمه اول سال ۲۰۱۰

استخوان‌های دوست‌داشتنی

● آرمین سخاوت‌پور ●

ما در اینجا فهرستی از بهترین‌هایی را که تاکنون ساخته شده تنظیم کرده‌ایم ولی فراموش نکنید این فهرست قبلاً تنظیم شده و چه‌با تا پایان سال اسامی زیادی به آن اضافه یا از آن کم شوند.



«خروج از درون کادوفروشی» مستندی درباره زندگی یک گروه از هنرمندان و پیشینه آنهاست و همچنین چیزهای مرموزی را هم درباره خود «بنکسی» نشان می‌دهد. قسمت آخر هم در قالب طنزی پوچ و بی‌اعتدال زندگی را به تصویر می‌کشد. در کل باید چشمان‌تان را باز کنید و نسبت به اطراف‌تان هوشیار باشید. بعد از دیدن این فیلم «گرافیتی» و «شهر» برای شما مهم‌تر خواهد شد.

خطاهای گذشته خودش را سرزنش می‌کند که باعث شده اعتماد به نفس‌اش را از دست بدهد و تبدیل به موجودی منزوی و درونگرا شود. همه او را به چشم موجودی بی‌عرضه نگاه می‌کنند. ولی تنها به صرف این کارها نمی‌شود درباره شخصیت او قضاوت کرد چون ساخته‌های «بنوم باخ» پر از نکته است و حتماً در این شخصیت جنبه‌های مثبت و درستی هم می‌شود پیدا کرد.

جناب نر

خوب است از بین فیلم‌هایی که نام‌شان را ذکر کردیم، «جناب نر» را هم از قلم نیندازیم. اول که اسم این فیلم به گوش‌تان می‌خورد یا خودتان می‌گویید: «اینکه اصلاً هم‌طراز فیلم‌های قبلی نیست که نامش را اینجا آوردید.» در این فیلم تیم بلک نلسون ایفای نقش می‌کند. پیش از این او در فیلم «زندگی غلفی» با «راد نورتون» دوقلوبایی بودند که از چنگ افرادی که می‌خواستند آنها را بکشند، فرار می‌کنند. این یک فیلم کم‌دی، مهیج، درام عاشقانه است و همچنین تراژدی فلسفی یونان را به تصویر می‌کشد. از جمله آثار بارزش دیگر امسال می‌توان به «وندانین» ساخته نیل جردن اشاره کرد که داستان افسانه‌ای درباره یک پری دریایی زیباست و در آن کالین فالر و ایشیا ناچلدا ایفای نقش کردند. همچنین می‌توان به فیلم «در جست‌جوی اریک» به کارگردانی کن لوچ اشاره کرد. یکی از فیلم‌هایی که زودتر از جولای به اکران درنمی‌آید و واقعاً شایستگی این را دارد که در ابتدای لیست فیلم‌های ذکرشده قرار بگیرد فیلم «چه‌ها همه راست می‌گویند» ساخته لیزا کالاندتو است.

نگاهی

فروش جهانی «آغاز» به ۷۵۳ میلیون دلار رسید

همزمان با آغاز اکران «آغاز» به کارگردانی کریستوفر نولان در ایتالیا مجموع فروش جهانی این تریلر سوررئالیستی به ۷۵۳ میلیون دلار رسیده است.

به گزارش خبرآنلاین، در همین حال کارگردان ۲۹ ساله از تولید یک بازی ویدئویی بر مبنای فیلم موفق خود خبر داد. کریستوفر نولان در نشستی مطبوعاتی در رم که با حضور گسترده رسانه‌های این کشور برگزار شد، گفت: «ما روی یک بازی ویدئویی بر مبنای دنیای فیلم «آغاز» کار می‌کنیم. این بازی شامل تمام ایده‌هایی است که امکان استفاده از آن در یک فیلم بلند داستانی وجود ندارد.» او تاکید کرد این پروژه در درازمدت انجام می‌شود و اجرای آن چند سال طول می‌کشد. «آغاز» با بازی لئوناردو دی‌کاپریو به نقش اصلی تنها فیلم اکران تابستان و پس از «چگونه اذهای خود را تربیت کنید»، دومین فیلم اکران سال ۲۰۱۰ است که ۱۰ هفته پیاپی در فهرست ۱۰ فیلم پرفروش بازار امریکای شمالی حضور داشته‌است. این فیلم در بازار داخلی ۲۸۵ میلیون دلار و در سطح بین‌المللی ۴۶۸

